

Gender justice desired by thinkers of the constitutional era

Somayeh Tohidlou*

Abstract

In this article, in a historical method, with the help of John Rawls' theories on the subject of justice, we have tried to understand the definition of gender justice and the existing categories of these definitions among the thinkers of the constitutional era. More than ۳۰ of these thinkers were studied, through all the documents left by them; In the four groups of traditional legislators, legislators with an adaptive look, religious democrats, and secular progressives. In line with this classification, a range of their views were presented: from the most traditional view of gender justice to its most modern form. All members of this range have always been present in the scene of social conflict; And in each period, a part of this range has been highlighted depending on the circumstances, and has been able to gain more power and theoretical dominance.

Keywords: Social justice, gender justice, the constitutional era, equality, fundamental rights.

* Assistant Professor of Social Studies Institute for Humanities and Cultural Studies,
s.tohidlou@ihcs.ac.ir

Date received: 02/06/2021, Date of acceptance: 31/08/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

عدالت جنسیتی نزد متفکران دوران مشروطه

سمیه توحیدلو*

چکیده

در این مقاله به روش تطبیق تاریخی و با کمک گرفتن از نظریات جان رالز در موضوع عدالت، تلاش شده تا به فهم تعریف عدالت جنسیتی و دسته‌بندی‌های موجود این تعاریف در بین متفکران دوران مشروطه دست یابیم. بیش از ۳۰ نفر از این متفکران از طریق انواع اسناد به جای مانده از آنها در چهار گروه متشرعان سنتی، متشرعان با نگاه اقتباسی، معتقدان به مردم‌سالاری دینی و ترقی‌خواهان سکولار مورد مطالعه قرار گرفتند. متناسب با این دسته‌بندی، طیفی از نظرات ایشان از سنتی‌ترین نگاه به عدالت جنسیتی تا مدرن‌ترین شکل آن عرضه گردید. صحنه تعارضات اجتماعی در همه دوران‌ها مملو از حضور همه نمایندگان این طیف بوده و در هر دوره‌ای بسته به شرایط بخشی از این طیف توانسته قدرت و سلطه نظری بیشتری یابد.

کلیدواژه‌ها: عدالت اجتماعی، عدالت جنسیتی، دوران مشروطه، مساوات، حقوق اساسی.

۱. مقدمه

دوران مشروطه را دوران گذار از سنت به مدرنیته می‌نامند. هرچند این گذار نه کامل است و نه در بسیاری از بخش‌ها حتی زیربنایش آماده شده است. اما از آن رو به این گذار توجه می‌شود که ورود بسیاری از مفاهیم و شکل‌گیری برخی از نهادهای اساسی

* استادیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

s.tohidlou@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹

دوران مدرن در این زمان اتفاق افتاده است. یکی از مهم‌ترین مفاهیم که قانون و مشروطه دو موضوع مهم این زمان از آن رنگ گرفته‌اند، مفهوم عدالت است.

از مهم‌ترین وجوه تمایز تعریف مدرن عدالت به نسبت مفهوم سنتی آن که در فلسفه اسلامی و در بسیاری از متون پیشین بدان استناد می‌شده، مفهوم سوژه است. شکل‌گیری سوژه یا فاعل مختار، صاحب حق و آزاد، پیش‌زمینه پیدایش مفهوم مساوات و به دنبال آن مفهوم عدالت است. (سندل، ۱۳۹۶: ۱۰۴ - ۱۰۷) این بخش از مفهوم عدالت مدرن (برابری حقوق، مساوات در برابر قانون) به یکی از مناقشه‌های مهم مشروطه و مشروطه در آن زمان تبدیل شد. این حقوق انسانی که افراد در آن برابری، همان آزادی‌های اساسی مثل آزادی بیان، قلم، مراوده، اجتماعات و ... است که همه به گونه‌ای در تعریف مدرن از عدالت جای می‌گیرد، چرا که مساوات در این آزادی‌ها یک شرط از عدالت است. (رالز، ۱۳۹۳: ۲۷۰) شرط دیگر برابری همگان در برابر قانونی است که در وضعیت اولیه (حجاب جهل) نوشته شده و امکان نزج و برون آمدن مفهوم عدالت را در جامعه تثبیت می‌کند.

چنانچه از مطالعه متون مشروطه برمی‌آید، موضوع مساوات جایی که به مساوات زن و مرد، یا مسلم و غیر مسلم و هردوگانه مذهبی یا اجتماعی دیگر می‌رسد با دشواری روبه‌رو می‌شود و بروز این دشواری را می‌توان در رساله حرمت مشروطه شیخ فضل‌الله نوری دید آنجا که درباره متمم قانون اساسی چنین می‌نویسد: «یکی از مواد آن ضلالت‌نامه این است که افراد مملکت متساوی الحقوقند و در این طبع این عبارت نوشته شد: «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود» و این کلمه مساوات «شاع و ذاع حتی خرق الاسماع» و اینیکی از ارکان مشروطه است که به اخلال آن مشروطه نمی‌ماند.

حال ای برادر دینی تأمل کن در احکام اسلامی که چه مقدار تفاوت گذاشت بین موضوعات مکلفین در عبادات و معاملات و تجارات و سیاسیات از بالغ و غیر بالغ، ممیز و غیر ممیز، عاقل و مجنون، صحیح و مریض، مختار و مضطر، راضی و مکره، اصیل و وکیل، بنده و آزاد، پدر و پسر، زن و شوهر، غنی و فقیر، عالم و جاهل، شاک و متقین، مقلد و مجتهد، سید و عام، معسر و موسر، مسلم و کافر، ذمی و حربی، کافر اصلی و کافر مرتد،

مرتد ملی و فطری و غیرها ممّا لا یخفی علی افقیه الماهر. (نوری نقل شده در زرگری‌نژاد، ج ۱، ۱۳۹۰: ۲۶۴)

از همین روست که بخش زیادی از رسائل و مکتوبات نوشته شده در بازه یکی دو سال بعد از امضای فرمان مشروطه به این مناقشه پاسخ گفته است. (محلّاتی^۱، ۱۳۲۷ق؛ نائینی^۲، ۱۳۲۷ق)

با این مقدمه است که عدالت جنسیتی موضوع مهمی در دوران مشروطه می‌شود و در رسائل جای خود را می‌یابد. موضوع حق انتخاب شدن و انتخاب کردن نمایندگان مجلس، آموزش و مدارس دختران، حضور اجتماعی و نوع پوشش و ... همگی مسائلی هستند که در اسناد مشروطه جای خود را باز کرده‌اند. البته چنانچه تاریخ ایران در این دوران نشان می‌دهد زنان در اندرونی خانه‌ها و حرمسراها بسیار محدود نگاه داشته می‌شدند. ایشان به دلیل عدم برخورداری از آموزش‌های لازم و باورهای مردان نسبت به ایشان به‌عنوان جنس دوم، دارای ضعف‌های فراوانی بودند. و این چرخه عقب ماندن و عقب نگه داشته شدن مدام تکرار شده است. بنابراین تاریخ مشروطه صحنه حذف کامل نیمی از جمعیت ایرانی بوده است. نیمی که با وجود محدودیت‌ها بازهم در این زمان رخ می‌نمایند و اثر گذارند.

دوران مشروطه دوران شکل‌گیری مدارس دخترانه و تلاش برای حضور صداهای زنانه در جامعه است. همین تلاش و وجود نهادهای غیر رسمی شکل گرفته مثل قوانین مجلس مشروطه عاملی برای گفتگو درباره وضعیت زنان شده است. بنابراین نمی‌توان از مفهوم عدالت و تعریفی که در این زمان مستفاد شده سخن گفت، مگر اینکه به موضوع سوژه انسانی و زن به عنوان یک سوژه صاحب حق نگریست. وضعیت او را تعریف کرد. مداخلات او را در زمینه‌های مختلف دید و نگاه‌ها و نظرات گروه‌های اثرگذار جامعه در آن دوران را به موضوع زنان از نظر گذراند. بنابراین مسئله اصلی این مقاله صورتبندی فهم‌های متفاوت از عدالت جنسیتی در این دوران است. فهم این موضوع که چه دسته‌بندی‌هایی از تعاریف موجود درباره عدالت جنسیتی می‌توان به دست داد و آیا همه این تعاریف را باید به دوگانه باورمندان به مساوات و ناباوران به آن تقسیم کرد؟

۲. پیشینه مطالعات تاریخی عدالت جنسیتی

موضوع وضعیت زنان در تاریخ و دوران مشروطه به انواع مختلفی بررسی شده است. برخی سبک زندگی زنان را از نظر گذرانده‌اند. برخی به ادبیات و فعالیت‌های زنان در مطبوعات نگاه کرده‌اند. (کراچی، ۳۸۱)؛ برخی دیگر به رسائل زنان و یا رسائل درباره زنان توجه ویژه نشان داده‌اند. (کراچی، ۱۳۹۰) برخی فعالیت‌ها و انجمن‌های زنانه را رصد کرده و روایت کرده‌اند. (کزازی و ...، ۱۳۹۱؛ درکتانین، ۱۳۸۴؛ آفاری، ۱۳۷۷؛ خسروپناه، ۱۳۸۱) برخی از مطالبات زنان گفته و توصیفی از وضعیت آن روزگار داشته‌اند. (امین، ۲۰۰۲؛ نجم‌آبادی، ۱۳۸۱) برخی دیگر به نگاه تعداد معدودی از متفکرین به زنان را برجسته‌سازی کرده‌اند. (حجازی، ۱۳۹۹) آنچه در این تحقیق تلاش شده به شکل متمایز از کارهای انجام شده، نمایان شود، موضوع عدالت جنسیتی است. اینکه افراد مختلف چگونه این مفهوم را صورتبندی کرده و عرضه نموده‌اند. این مدل کار را می‌توان تا حدودی در کار داود فیرحی درباره قانون (فیرحی، ۱۳۹۹) یا کار سعید عدالت نژاد (عدالت نژاد، ۱۳۹۷) درباره تمایز حقوقی یا همان عدالت در بین اقلیت‌های دینی دید. در روش هردو کار یاد شده تنها در بازه‌های زمانی مختلف سعی کردند به دو یا چند اثر شاخص در موضوع بپردازند و با کنار هم گذاشتن نگاه‌ها تبارشناسی یک موضوع و یا روندی که برای یک مفهوم اتفاق افتاده را از نظر بگذرانند.

به لحاظ شیوه پرداختن به مشروطه در ساحتی عام‌تر، در موضوع تفکر در آن دوران منابع متعددی هست. از جمله می‌توان به کارهای سید جواد طباطبایی (۱۳۸۶)، عبدالهادی حائری (۱۳۸۷)، داریوش رحمانیان (۱۳۹۱) و ... اشاره کرد. دسته‌بندی‌های ارائه‌شده در این کارها نیز به ندرت جز از دوگانه مشروطه و مشروعه یا سنت و مدرنیسم بالاتر نمی‌رود. در این اثر تلاش شده با ارجاع به متفکرین مختلف و فارغ از نگاه‌های دوگانه رایج، طیفی از ایده‌ها ارائه گردد.

۳. عدالت در معنای مدرن

برای بازخوانی مفهوم عدالت، می‌بایست تمایز معنایی عدالت در منطق قدما، و عدالت در فضای متأخر مورد توجه قرار گیرد. جدا از موضوع عقلانیت که وجه تمایز این دوره به حساب می‌آمده، برخی از اندیشمندان عقلانیت را امری متصل به زمینه اجتماعی و

تاریخ برمی‌شمرند و لذا نمی‌توان تعریف مشخصی از آن به دست داد. در منطق قدما عدالت فردی به شدت قوی بوده و شیوع عدالت فردی عدالت اجتماعی را سبب می‌شده است. در واقع عدالت خدا یا عدالت شخص شاه توزیع‌کننده عدالت در سطح اجتماعی برشمرده می‌شده است. عدالت اجتماعی در واقع حفظ منزلت‌هاست و چون منزلت و گروه‌های اجتماعی صاحب این منزلت‌ها از پیش وجود داشته‌اند به نوعی حفظ نظم و تناسب بین این گروه‌ها و طبقات عدالت را و به دنبال خود نظم را به همراه داشته است. (موحد، ۱۳۸۱: ۹۱)

اما در فهم مدرن از عدالت که فلاسفه‌ای چون ایمانوئل کانت (Immanuel Kant) تا برخی از متأخرین را دربرمی‌گیرد، سوژه انسانی و به عبارتی فاعل انسانی معنا پیدا می‌کند و عدالت بین‌فردی مورد توجه قرار می‌گیرد و مفهوم حق و تکلیف‌های متقابل و متناسب به ادبیات عدالت وارد می‌شود (کانت ۱۷۸۵: ۱۲۱). قانون برای پاسداشت یا محدودسازی این حقوق شکل می‌گیرد. فرد صاحب حق این‌بار عدالت را دنبال می‌کند. فرد صاحب حق پایگاه‌های اجتماعی و منزلت‌ها را می‌آفریند. هرچند که جامعه و جماعت در دنیای جدید ارزش زیادی دارند، اما افراد مغفول دنیای جدید نیستند. چون افراد و خواسته‌هایشان بسیار متکثرند، قانون می‌تواند نظم جدید را ایجاد کند. در دنیای جدید همبستگی جدیدی هست. اگر در دنیای سنتی افراد را کنشگران مشابه هم می‌دیدند که گاهی عملکردشان و زندگی‌شان از صفر تا صد بر عهده خودشان بود و قانون همان وجدان جمعیشان به حساب می‌آمد، در دنیای جدید افراد تشابهشان به هم کم شده یا اندک شده است. تقسیم کار ایشان را از هم متمایز نموده و عاملی برای پیدایش هم‌بستگی ارگانیک گردیده است. چنین جامعه‌ای نه با سلاح وجدان جمعی، که با قدرت حقوق، قانون و نظم برپا می‌ماند. (دورکیم، ۱۳۸۱: ۱۰۹)

جان رالز (John Rawls) یکی از کسانی است که در بسط نگاه کانت کوشیده و امروز اصول عدالتش مورد توجه بسیار است. اصولی که می‌تواند شاخص‌های عدالت اجتماعی را برای گزینش بهتر نظرات ارائه شده در دوران مشروطه تبیین نماید.

منظور رالز از عدالت در واقع «عدالت اجتماعی» است. یعنی رالز به دنبال فضیلت اشخاص نیست، بلکه در تلاش است، اصولی را برای عدالت تنظیم کند تا تضاد منافع افرادی را که در اجتماع به دنبال بیشتر کردن سهم خود از توزیع خیرات اجتماعی هستند،

به طور منصفانه حل و فصل نماید. (رالز، ۱۳۷۶) به نظر رالز عدالت زمانی محقق می‌شود که به توزیع صحیح سود و مسئولیت در همکاری اجتماعی برسیم و این امر مربوط به ساخت جامعه و نهادهای تشکیل دهنده آن است. زیرا «نهادهای اجتماعی شیوه دست‌رسی افراد به منابع را معین می‌کنند و قواعد تعیین حقوق و امتیازات و رسیدن به قدرت سیاسی و انباشت سرمایه را در بردارند». (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۷)

اما اصولی که به مدد آن جامعه به سامان می‌شود چیست. عدالت جاری در این جامعه چگونه عدالتی است:

اصل نخست

هرکس حقی برابر در برخورداری از گسترده‌ترین نظام کامل آزادی‌های اساسی دارد، نظامی که سازگار است با نظام آزادی‌ای از همین دست برای همگان.

قاعده تقدم بخش

اصول عدالت را باید در ترتیبی قاموسی رتبه‌بندی کرد و بر این اساس آزادی را تنها به خاطر صیانت از خود آزادی می‌توان محدود نمود. دو مورد از این دست وجود دارد:

(الف) کاستن از گستره آزادی تنها در صورتی مجاز است که این کار، کل نظام آزادی را، که همگان در آن سهیم اند، مستحکم تر کند، و (ب) روا داشتن آزادی‌ای کم‌تر از آزادی برابر، تنها در صورتی مجاز است که، برای آن دسته از شهروندان که در پی اعمال این نابرابری از آزادی کم‌تری برخوردار خواهند شد، پذیرفتنی باشد. (رالز، ۱۳۹۳: ۲۷۰)

با توجه به آنچه در بالا گفته شد، برای فهم مفهوم عدالت جنسیتی نزد نخبگان مشروطه چند شاخص بسیار مهم خواهد بود:

- آزادی‌های اساسی و حقوق اولیه که سوژه انسانی به واسطه آنها تعریف می‌شود.
- قانونی که امکان سلب و محدود کردن آزادی‌ها را می‌دهد و به شکل عادلانه و با در نظر گرفتن همه حقوق تنظیم شده است.
- اجرای قانون به گونه‌ای که مساوات در برابر آن برقرار شود و در صورت عدم مساوات ترجیحات به گونه‌ای باشد که رفع محرومیت و ایجاد فرصت برابر را مدنظر قرار گیرد.

شاخص سوم می‌تواند با ایجاد فرصت‌های برابر برای ظهور و بروز شایستگی‌ها مرتبط گردد، فرصت‌هایی که زمینه‌ساز آزادی‌های اساسی برای یک زندگی مطلوب است. فضایی که باعث تقویت ویژگی‌های خاص شخصی فرد و تبدیل کالاهای اولیه به توانمندی‌های مشخص می‌شود. این نگاه را می‌توان نزد متاخرین پیرو سنت رالز مثل آمارتیا سن (Amartya Sen) دنبال کرد. (سن، ۱۳۸۳: ۹۰)

به نظر می‌رسد دوران مشروطه در ایران دوران بازنمایی تمایزهای تفهومی در موضوع عدالت است. مشروطه‌خواهی درست در زمانه‌ای رخ می‌دهد که تمایزها و تعریف‌های جدید شکل می‌گیرد و شروط اساسی رالز برای شناخته شدن موقعیت‌های اولیه اعم از عقلانیت، آزادی، سودجویی و در حجاب جهل قرار گرفتن به تمامی وجود دارد.

۴. روش‌شناسی

روش پژوهش این مقاله تحلیل تاریخی اسناد با کمک شاخص‌هایی است که جان رالز از تعریف عدالت در معنای مدرن آن ارائه کرده است. برای این مقاله به سراغ نخبگانی از مشروطه رفته‌ایم که در بازه زمانی حدود ۳۰ سال پیش از مشروطه تا برآمدن رضاخان می‌زیسته‌اند. آثار به جای مانده از حدود ۳۰ نفر از ایشان که برخی را مشروعه‌خواه و برخی را مشروطه‌طلب می‌شناسیم، مورد مطالعه قرار گرفت. برای یافتن نوع نگاه ایشان به مسأله عدالت جنسیتی به رسائل، خاطرات، روزنامه‌ها و ... مراجعه شد.

این متون برای رسیدن به پاسخ پرسش‌هایی از این دست مورد مطالعه قرار گرفت: نخبگان مشروطه نسبت به حقوق زنان و برابری این حقوق با مردان چگونه می‌اندیشیده‌اند؟ آزادی‌های اساسی مصرح در قاعده اول رالز را در نسبت با زنان چگونه می‌دیدند؟ چگونه نسبتی بین قانون و جنسیت برقرار می‌کردند؟ به موضوع رفع موانع و محرومیت‌های تاریخی و ایجاد فرصت برای زنان چگونه می‌اندیشیدند؟

نکته قابل توجه درباره این متون این است که ماهیت این اسناد متفاوت است. برخی رساله نظری‌ست و برخی خاطره‌نویسی روزانه. طبیعی‌ست که نوع مواجهه هریک از این اسناد در مفهوم عدالت اجتماعی با یکدیگر متفاوت است. تلاش شده هرآنچه به موضوع عدالت مرتبط است، به هر شکل، نظری یا کاربردی جمع شود. بنابراین نه افراد مورد مطالعه از یک سطح سواد و اطلاعات برخوردارند و نه آنچه از ایشان به جای مانده از منظر علمی

یک‌دست است. در نظر برخی از این متفکران موضوع عدالت موضوع مهمی است، چون نظریه‌پردازان دوران مشروطه به حساب آمده‌اند. اما با وجود این اهمیت، هیچ اشاره یا توجهی به موضوع عدالت جنسیتی و یا شرایط زنان در جامعه نداشته‌اند. برخی از ایشان نیز شرح زندگیشان بیش از هر چیز بازگوکننده نوع مواجهه ایشان با عدالت جنسیتی است، هرچند مستقیم در این موضوع کلامی ننگاشته باشند.

موضوع دیگر زمان‌بندی این اسناد است. هرچند مفهوم قانون، آزادی و لزوم آموزش، از مفاهیم پرتکرار پیش از مشروطه بوده‌اند، اما تا زمانی که به واسطه متمم قانون اساسی در ۱۳۲۵ ق مسئله «مساوات» وارد ادبیات نظری متفکران آن دوران نشده، کمتر موضوع عدالت جنسیتی به شکل مستقیم مورد توجه قرار گرفته و در برخی موارد به قرینه دیگر نظرات می‌توان جایگاه متفکر مورد نظر را در تعریف عدالت اجتماعی به دست آورد.

۵. دسته‌بندی نظرات متفکران درباره عدالت جنسیتی

به نظر می‌رسد اگر قرار باشد به دسته‌بندی جدیدی از تعریف عدالت جنسیتی برسیم، باید کمی از مفروضات بدیهی انگاشته درباره مشروطه فاصله بگیریم. این تغییر زاویه دید می‌تواند صورت‌بندی جدیدی را برای ما عرضه نماید. بسیار درباره این موضوع شنیده‌ایم که عدالت در مشروطه همان معنای سنتی را داشته و هنوز فاصله زیادی با مفاهیم مدرن آن دارد. (حائری، ۱۳۸۷: ۳۱۰) یا شنیده‌ایم که در دوران مشروطه امتناع گفتگو و تفکر وجود داشته چراکه هرگونه گفتگو با شرع را برحذر می‌داشته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۳۴) کم نیستند افرادی که به نوعی شکست، عقب ماندگی و یا توقف مشروطه را به یکی از این امور نسبت داده‌اند. (کسروی، ۱۳۸۸: ۵۱۲-۵۱۳؛ آدمیت، ۱۳۵۴: ۴-۶) در اغلب دسته‌بندی‌های این محققان گروهی مشروعه‌خواه داریم که شیخ فضل الله در راس آن‌هاست. گروهی مشروطه‌خواه و لیبرال‌های تندروتر که در مقابل گروه پیشین است. عملاً مواجهه حکومت سلطنتی و حکومت مشروطه، مواجهه قانون با طریقت شرع، مواجهه آزادی یا بندگی و ... را تماماً روی همین دو عنوان مشروطه و مشروعه بار می‌کنند. این درحالی است که تأثیرگذاران و سازندگان مشروطه کم تعداد نیستند. آنهایی که تولید محتوایی داشته‌اند همین انگشت شمارانی نیستند که پژوهشگران مشروطه به آرشوسازی

کارهای ایشان دست زده‌اند. اسناد بسیار، نسخ خطی منتشر نشده و نشریات متعددی وجود دارد که می‌تواند چشم انداز دیگری از مشروطه را به روی ما بگشاید.

در این تلاش برای باز تعریف عدالت جنسیتی و تن زدن از یک دسته‌بندی با تقابل‌های دوتایی به یک طیف‌بندی از نظرات رسیدیم. در واقع یک نمودار طیفی در نظر گرفته شد که چهار نقطه بر روی آن شاخص و نشانه‌گذاری شده‌اند. بعد از مطالعه و تحلیل چندباره اسناد مبتنی بر شاخص‌های برآمده از نظریه‌ها، جایگشت هر فرد را در مفهوم عدالت جنسیتی روی این طیف مشخص نموده و تلاش خواهد شد تعاریف مدنظر از عدالت جنسیتی را در این دوران از روی این جایگشت‌ها روی این طیف مشخص سازیم.

۱.۵ گروه اول: مشرکان سنتی

شیخ فضل‌الله نوری (۱۲۵۹-۱۳۲۷ق) یکی از ساکنان این دسته به حساب می‌آید. ایشان مساوی‌ال حقوق بودن در برابر قانون را برای گروه‌های مختلف نقد نموده و آزادی و مساوات را مفسده انگیز می‌دانند. وی در تعریف عدالت و تشخیص موارد آن و نیز نحوه دستیابی به آن بحث داشت و چون خالف جهان‌رادر تشخیص مصالح بشر و تامین سعادت جاویدی از همه آگاهتر می‌داند «تحصیل عدالت» را منوط به اجرای احکام اسلامی می‌شمرد و معتقد بود که «حقیقت عدل» از راه «اقدام به معروف و اجتناب از منکر» محقق می‌شود. (منذر، ۱۳۸۸) از همین روست که تدوین قانون را از اساس ایجاد دکانی در برابر قانون شریعت می‌داند و مساوات در برابر این قانون را امری ملحدانه برمی‌شمرد.

... ای ملحد اگر این قانون دولتی مطابق اسلام است، که ممکن نیست در آن مساوات، و اگر مخالف اسلام است، منافعی است با آنچه در چند سطر قبل نوشته شده؛ که آنچه مخالف اسلام است، قانونیت پیدا نمی‌کند. ای بی‌شرف، ای بی‌غیرت، بین صاحب شرع برای این که تو منتحل به اسلامی، برای تو شرف مقرر فرموده و امتیاز داده تو را و تو خودت از خودت سلب امتیاز می‌کنی و می‌گویی من باید با مجوس و ارمنی و یهودی و ... برادر و برابر باشم. «الا لعنة الله علی من لا یعرف قدره». (نقل شده در زرگری‌نژاد، ج ۱، ۱۳۹۰: ۲۶۴)

حجت‌الاسلام موسوی نجفی لاری (۱۲۶۳-۱۳۴۲ق) نیز که به دغدغه رفع ظلم، ستم و استبداد و نفی غرب و غرب ستیزی در بوشهر و فارس حکومت اسلامی تشکیل داد، از مشروطه خواهانی است که در این دسته می‌گنجد. مرام مشروطه خواهی نزد ایشان مبارزه با استبداد مطلق و ایجاد زمینه شکل‌گیری قوانین اسلامی بوده است. از همین رو نگاهش به قانون کاملاً قانون اسلام است. البته در برخی موارد درباره آموزش زنان شاید بتوان نجفی لاری را جایی بین دسته یک و دو قرار داد.

نجفی لاری به نظم و نسق و قانون غربی نقد دارد و آن را کفر می‌نامد، زیرا آزادی‌هایی به زنان داده که باعث شیوع مفاسد و بروز قبايح فاحشه می‌شود.

و ما قیل که اینها نظم و نسق و قانون دارند، فهو ایضا توهم و اشتباه و غلط و مغلطه محصه است ... حتی اختیار آب دریا و علف صحرا، اختیار زن و دختر برای احدی باقی نمی‌گذارند! بلکه اختیار اموات و احیای خود را نیز ندارند. (لاری نقل شده در وثوقی، ۱۳۸۶: ۸۰-۸۱)

سومین فردی که در این دسته قرار می‌گیرد عمادالعلما خلخالی (۱۲۳۷ق - نامعلوم) است. از مشروطه خواهان ساکن نجف که در استبداد صغیر برای مقابله با استبداد به ایران می‌آید. هرچند به مرور از مشروطه‌خواهی دور شده و آن را فساد انگیز برمی‌شمرد. او نیز موضوع حق و تکلیف و مساوات را چون دیگران ذیل شریعت تعریف می‌کند.

عمادالعلما نیز مانند نائینی یا تفه الاسلام که به اصول مشروطه وفادارند نگاه درون دینی به مساوات دارد. قانون همان شرع است و در شرع هم لزوماً برابری همگان نیست. اما همگان در برابر این قانون برابرند. او بر این باور است که

قوانین تکلیفیه، بین بندگان فرقی نگذاشته [و] از انبیاء و مرسلین، تا رعیت و سلاطین، پیر و جوان، زنان و مردان، غلامان و آقایان، علماء و عوام، سید و موالی، اغنیاء و فقرا، همه با هم به قوانین عدل و انصاف و به قواعد اصول مساواتیه در تکلیف شریک و مساوی‌اند. کما اینکه در اصل خلقت انسان فرقی مابین افرادش نگذاشته [است] (خلخالی نقل شده در زرگری نژاد، ۱۳۷۷: ۳۰۴)

۲.۵ گروه دوم: مشرعان با نگاه اقتباسی

در این گروه که می‌توان افرادی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ق) با نهضت بیداری شرق را نیز در آن قرار داد، تعالیم غرب معنادار است؛ اما اساس، اسلام است. سید جمال‌الدین اسدآبادی راپایه‌گذار جریان تجددگرایی اسلامی می‌داند. او به نقد و رد این دو جریان مضر ترقی و تجدد (ضدغرب، غرب‌زده) همت گذاشته و تلاش کرد با دیدی علمی و فیلسوفانه به علت‌شناسی پیدایش و آثار و عوارض این دو جریان بنگرد و هم از آن راه یعنی از راه تأسیس یک عقلانیت جدید فلسفی به درمان این دو بیماری بپردازد. (رحمانیان، ۱۳۸۷: ۶۱) مشروطه‌خواهان و علمایی از پیش از مشروطه که در شکل‌گیری این جنبش اثرگذار بوده‌اند، در این دسته هستند. ایشان قانون و مفاهیم غنی رواج یافته در غرب را پذیرفته و آن را با ادبیات دینی و شریعت مصبوغ کرده‌اند.

محمدحسین غروی نائینی (۱۲۳۹-۱۳۵۵ق) با تأکید بر استحقاق دینی و مساوات آحاد مردم با یکدیگر و با سلطان، ذیل قانونی که مغایر با قانون شرع نیست در این دسته و یا جایی بین این دسته و دسته سوم می‌گنجد. او برخلاف دسته اول که هرگونه سخن از مساوات را برنمی‌تافتند، منشا مساوات را مذهبی می‌داند. او در رساله معروفش *تنبیه الامه و تنزیه المله* باور داشت مساوات نسبت به قانون معنادار است. در واقع شرط عدالت را متساوی‌الحقوق بودن تمام ملت نسبت به قوانین دستوریّه که هر یک متضمّن بیان حکم خاصّ برای عنوان عامّ و یا موضوع مخصوصی است، می‌دانست. اینکه این قانون می‌بایست در مرحله اجرا نسبت به مصادیق و افرادش بالسّویه و بدون تفاوت مجری شود؛ جهات شخصیه و اضافات خاصّه راساً غیر ملحوظ، و اختیار وضع و رفع و اغماض و عفو مسلوب، و ابواب تخلف و رشوه‌گیری و دل‌بخواهانه حکمرانی به کلی مسدود باشد.

نکته حائز اهمیت در نگاه نائینی علی‌رغم باورداشت به مساوات این بود که ایشان بیان می‌داشت «قانون مساوات در تساوی اهل مملکت فقط نسبت به قوانین موضوعه برای ضبط اعمال متصدّیاناست، نه رفع امتیاز کلیّ فیما بین آنان» و بارها تأکید کرده است که قانون فراتر از شرع نیست. یعنی در موضوع مجادله بین مشرعان و مشروطه‌طلبان تأکید بر وجود و ضرورت قانونی که بر مبنای اساس اسلام نوشته شده باشد را تأکید نموده و در نهایت چنین می‌اندیشید «اگر قوانین مذکوره مطابق اسلام است با اختلافات مشهوده در

ابواب مذکوره، چگونه تساوی ممکن و اگر مخالف با اسلام است، چگونه ممکن است قانونیت به هم رساند؟» (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۱۰۵)

سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی یا صدرالواعظین (۱۲۷۹-۱۳۲۶ق) که روحانی منبرهای مشروطه است در کنار سید عبدالله بهبهانی (۱۲۶۲-۱۳۲۸ق) و سید محمد طباطبایی (۱۲۵۷-۱۳۳۹ق) از روحانیون مشروطه‌خواه و هوادار مراجع مشروطه‌خواه نجف چون آخوند خراسانی، عبدالله مازندرانی و محمد حسین نائینی بوده‌اند. کسانی که تاکیدشان بر اصول مذهب است و اجرای قوانین شرع را با استفاده از مفاهیم جدید در سر می‌پروراند. از همین روست که در کلامشان قانون جدید ضامن اجرای قانون اسلام است. «خداوند تمام افراد عباد را در ادای وظائف و تکالیف دینیه و اجرای قوانین شرع مساوی قرار داده است» و در این تعریف بین بنده و پیامبر هم تفاوتی نیست. عمل به شرع و مساوات در برابر قانون مبتنی بر شرع تنها یادگار از صدرالواعظین است. (واعظ نقل شده در یغمائی، ۱۳۵۷: ۱۰۴)

ثقه الاسلام تبریزی (۱۲۷۷-۱۳۳۰ق) روحانی شهیر آذربایجان نیز در گروه دوم قرار می‌گیرد. او نیز بر ضد ظلم و استبداد برمی‌خیزد. درباره حق زنان برای انتخاب می‌گوید امکان صاحب حق شدن دارند اما با توجه به وضع حالشان لیاقت آن را ندارند. (تبریزی، ۱۳۵۵: ۴۱۴) به مسئله آموزش زنان بها می‌دهد. این همانی قانون و شرع به نفع شرع دارد. البته ثقه الاسلام به دلیل باور به ممکن بودن حقوق برابر برای زنان، هرچند در عمل آن را نمی‌پذیرد، از روحانیون نیست که می‌تواند روی طیف بین گزینه دو و سه قرار بگیرد.

بی‌بی فاطمه استرآبادی (۱۲۷۴ - ۱۳۴۰ق) نویسنده رساله *معایب الرجال* نیز در این زمره می‌گنجد. این رساله در پاسخ به رساله *تربیت نسوان* به رشته تحریر درآمده است. هرچند ایشان بحث چندانی روی مبانی و معارف مشروطه ندارد و بیشتر نقد سنت و وضع حال می‌کند، اما نوع نگاهش به آموزش و تاکیدش بر شریعت، این زن برجسته را در این گروه قرار می‌دهد.

او در رساله *معایب الرجال* به خوبی درباره وضعیت زنان و مردان در آن روزگار سخن گفته است.

... او مگر تاریخ ادیان نخوانده که نه هر مردی از هر زنی فزون‌تر است و نه هر زنی از هر مردی فزون‌تر... مریم، زهرا، آسیه و خدیجه کبرا از زنان‌اند و فرعون و هامان و شمر

عدالت جنسیتی نزد متفکران دوران مشروطه (سمیه توحیدلو) ۶۷

از مردان. فضیلت به انسانیت است نه به مرد یا زن بودن... همچنین اگر مردان جامه زنان را مشخص می‌کند که روز عرقچین ترمه گذارند و یا شلوار گشاد بر تن کنند به فکر راحت زن نیستند، تنها می‌خواهند زن را به سلیقه خویش بیاریند. بخصوص در این زمان که هیچ نظم و نظامی در کار نیست. .. حال آنکه خداوند تعالی مردان را عاشق و معشوق با زنان خلق کرده و نه ظالم و مظلوم. اگر قرار بر اندرز شنیدن باشد همه باید بشنوند و اگر قرار بر تربیت است همه باید تربیت پذیرند و این منوط است به تأسیس قوانین تمدن و تدین ملیه و دولتی و شرعی و عرفیه و لشکریه؛ والا نمی‌شود حالت مردم را با کلمه‌ها و عبارت پردازی اصلاح نمود. (استرآبادی، ۱۳۷۱: ۵۴-۵۵)

شیخ محمد علی تهرانی کاتوزیان (۱۲۵۴-۱۳۱۵ق) از وکلای مجلس در تهران نیز که تساوی در برابر قانونی که شرع است را در نوشته‌هایش تأکید می‌کند، می‌توان در این گروه قرار داد.

حقوق نوعی و شخصی کدام است؟ حقوق نوعی آن است که افراد بنی بشر در آن حق با هم مساوی باشند، نظیر حکمی که قانون اسلام به ما نشان می‌دهد، که هر که مال کسی را به شرایطی که در کتب احکام مشروح است؛ به دزدی برد و سرقت نماید، باید دست او به طوری مخصوص و طریقی خاص از بدن جدا شود. این قانون بین عالم و جاهل، غنی و فقیر، سید و عام، عرب و عجم، ترک و دیلم، اروپایی و امریکایی و آسیایی و آفریقاییکسان است. (تهرانی نقل شده در رجبی، ۱۳۸۴: ۳۹۸)

۳.۵ گروه سوم: معتقدان به مردم‌سالاری دینی

برخلاف تصور و باور عمومی از مشروطه بیشترین متفکران در این دسته می‌گنجند. کسانی که هرچند در تعارض با دین سخن نمی‌گویند، اما به دنبال سازگاری بین دین با مفاهیم جدیدند. در میان کسانی که روی طیف به این گروه نزدیک می‌شوند، اصالت عقل و سوژه مدرن برقرار است و به دلیل پایگاهی که برای شریعت قائلند، آن را با شریعت تطبیق می‌دهند. در واقع اگر گروه اول اصالت در شرع است و با مفاهیم جدید هم‌خوانش می‌کنند، در گروه سوم اصالت با عقل است و با دین هم‌خوان می‌شود. گروهی که کم‌تر دیده می‌شوند. کمتر مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرند و اغلب با تقلیل و فروکاستن به گروه دوم و یا با چسباندن به گروه چهارم نادیده گرفته می‌شوند. بخشی از

متفکران این گروه روحانیون و مراجع دینی هستند که دین را در همراهی و آشتی با عقلانیت و مفاهیم مدرن معرفی می‌کنند. برخی دیگر بر عقلانیت و مفاهیم مدرن تاکید کرده و تایید آن‌ها را از دین می‌گیرند. دسته سوم هم هستند که تنها از مفاهیم جدید می‌گویند و درباره شریعت سکوت پیشه می‌کنند، و مصلحت زمانه و ایام را در ورود به این موضوع نمی‌دانند. ایشان یا خود در عمل متشرعند یا به همراهی آن انتقادی ندارند. این گروه در میانه دسته سوم و چهارم قرار می‌گیرند.

اسماعیل محلاتی (۱۲۶۹-۱۳۳۴ق) یکی از بارزترین روحانیون این گروه است. معتقد به حقوق شهروندی و علاقمند برای شکل‌گیری سوژه مدرن. زن و مرد را در عرصه عمومی برابر می‌داند و عرصه خصوصی را دور از دسترس قانون مدرن برمی‌شمارد. حضور اجتماعی زنان را دوشادوش مردان در عرصه‌های اجتماعی می‌بیند. محلاتی از روحانیونی است که از منظر پذیرش جایگاه زنان تا حدودی می‌تواند به دسته چهارم نیز نزدیک شود. اما ایشان جایگاه تشریح را برای مشروعیت بخشی مهم ارزیابی می‌کند.

نه تنها ملت را بخش جداناپذیر از جامعه مطلوب سیاسی می‌داند، بلکه همه افراد ملت را با هم برابر می‌داند. وی اعتقاد دارد انسان‌ها در عرصه خصوصی، آزاد هستند تا بر اساس عقاید و دیدگاه‌های دینی، فرهنگی، قومی و ... خود عمل کنند؛ اما در عرصه عمومی با هم برابرند و از این لحاظ میان آنان تفاوتی وجود ندارد. بدین معنا زنان با مردان و مسلمانان و غیر مسلمانان در عرصه عمومی، با هم برابرند و یکی بر دیگری برتری ندارد. (محلاتینقل شده در زرگری‌نژاد، ۱۳۷۷: ۲۶۵)

ابراهیم زنجانی (۱۲۷۲-۱۳۵۳ق) روحانی دیگری است که مساوات در برابر قانون را می‌پذیرد و برابری زن و مرد را تبلیغ می‌کند. او به آزادی اجتماعی زنان باور دارد و حتی آزادی در حجاب و پوشش برای ماندن در عرصه‌های اجتماعی را می‌پذیرد. او نیز به دنبال محکمه، عدالت، قانون و انصاف است. با توجه به نوع نگرش او به موضوع حقوق زنان، زنجانی را نیز می‌توان در جایی میانه طیف سه و چهار دسته‌بندی کرد.

زنجانی باور دارد که دایره تمایزهایی که شرع بین زن و مرد گذاشته زیاد نیست و مانع برابری حقوق ایشان نمی‌شود و قرار نیست بدین واسطه زنان بدبخت سال‌ها در کنج خانه زندانی شوند و در تاریکی خانه‌ها محبوس باشند. (زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۷۴) او بر حضور اجتماعی زنان تاکید بسیار دارد و باور دارد زن به عنوان یک شهروند باید در عرصه‌ها

حاضر باشد و چنین حضوری هیچ عصمتی را بر باد نخواهد داد. «باید مردان و زنان همگی در حفظ ناموس و شرافت و حفظ نفس از شهوت و بدعملی و فسق و هتک ناموس و خلل به نسل و نژاد و تجاوز و تعرض به عرض حرام نهایت احتراز داشته [باشند]». (زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۰۹-۱۰۰)

هادی نجم‌آبادی (۱۲۵۰-۱۳۲۰ق) از روحانیون آگاه و مساوات‌گرای مشروطه نیز در این گروه است. وی نیز به حضور برابر و اجتماعی زنان باور دارد. هرچند نجم‌آبادی چهارسال پیش از مشروطه رحلت کرد و هیچ‌گاه درگیر مباحثات مطروحه بین مشروعه و مشروطه‌طلبان نشد، اما به کرات به تساوی قوانین و حدود به دلیل کرامت‌های انسانی ایشان تأکید داشت.

او بی‌محابا با کافه دانشوران فرق دنیا و رؤساء دینی هر نحله مجالست می‌فرماید و به سخنان منتقدانه فضلاء وقت عنایتی نمی‌آورد. در فقه، اصول، حدیث، تفسیر، رجال، مقالات و غیرها من العلوم و المعارف و الاطلاعات از متفردین متبحرین معدود می‌گردد (محبوبی اردکانی، ج ۱، ۱۳۷۶: ۲۰۱)

یحیی دولت‌آبادی (۱۲۷۹-۱۳۵۸ق) و یوسف مستشارالدوله (۱۲۳۹-۱۳۱۳ق) را نیز می‌توان در این گروه دسته بندی کرد. مردم سالاری و مدنیت بومی مستشار، تأکیدش بر مساوات و قانون و اصرار بر این همانی اسلام با قوانین و ترقیات، با تأکید بیشتر بر قانون. هر دو اندیشمند یاد شده از همراهان قانون‌گرایی و مساوات مردم ایران بوده‌اند. مستشارالدوله هرچند در یک کلمه بسیار به مفاهیم اساسی پرداخته، اما به جهت وفاتش سال‌ها پیش از مشروطه، درگیر مناقشات مساوات نشده است. دولت‌آبادی هم در کنار ابراهیم زنجانی و دیگران از فعالین این دسته بوده‌اند و با تاسیس انجمن معارف در گسترش نهاد آموزش تلاش کردند. فعالیت خانوادگی ایشان (همراهی با صدیقه دولت‌آبادی) خودگویای نوع مواجهه و باور این اندیشمند بوده است. (ملائی، ۱۳۹۷: ۱۱۶)

مستشار می‌نویسد:

فقره اول که عبارت است از مساوات در محاکمات و در اجرای قانون یعنی اجرا شدن احکامی که در قانون نوشته شده در حق اعلی و ادنی، وضع و شریف، قوی و ضعیف به طریق مساوات باشد و به هیچ وجه امتیاز نداشته باشد اگرچه مدعی و مدعی علیه ذات امپراطور باشد، حکم قانون چون دیگران بر او نافذ است». (مستشارالدوله، ۱۳۹۳)

او با ذکر تعداد زیادی از روایات دینی و تاریخی و همینطور آیات قرآن اشاره می‌کند که «حال ما باید بدون اغماض از راه حقانیت و انصاف بگوییم که در کدام‌یک از محکمه‌های عدالت مملکت اسلام، موافق احکام مزبوره رفتار می‌شود و کدام‌یک از حکام عرف را در دست خود کتاب قانون هست که از روی آن با رعایا که امانت محترمه خداوند است رفتار کند. (همان)

ملکم خان ناظم الدوله (۱۲۴۹-۱۳۲۶ق) نیز با نشریه قانون در این گروه می‌نشیند. علی‌رغم پیشینه ارمنی هیچ کجا در تعارض با دین و سنت برنخاسته و همواره در تلاش برای آشتی مفاهیم قانون و عدالت با تشریح و سنت بوده است. او مسائل زنان و نیاز به بالارفتن جایگاه اجتماعی زنان را مدام تبلیغ کرده است. با توجه به پایگاه تحصیلی و رفت‌وآمدهای ملکم، او از جمله کسانی است که جایی بین گروه سوم و چهارم می‌تواند داشته باشد.

ملکم در قانون درباره قانون و اصول دیوانی، آزادی، عدالت، وضعیت صنعت، علم و نخبگان و ... نوشته است.

اولین قانون دولت باید بر امنیت جان و مال و بر ضمانت جمیع حقوق افراد ملت باشد. باید اساس قانون امنیت را چنان مشید و محکم نمایم که احدی نتواند بدون حکم قانون نه به کسی دست بزند نه از اموال و حقوق کسی ذره‌ای کم بکند. (قانون، شماره ۱۸: ۱۳۰۷ق)

و یا اینکه

نظام السلطنه، آبادی ملک و جمیع ترقیات دنیا یک اساس مقدس دارند که آن را عدالت می‌گویند. ما این اساس را در ایران به کلی منهدم کردیم. و تا این اساس عدالت را در ایران محکم نکنیم هیچیک از دردهای ما رفع نخواهد شد. (قانون، شماره ۳۹: ۱۳۰۷ق)

میرزا حسن رشیدی (۱۲۶۷-۱۳۶۳ق) با تمام تلاش‌هایش برای شکل‌گیری مدارس مدرن هم برای زنان و هم برای مردان و پشتیبانی‌اش از مشروطیت و همراهی‌اش با اعظام مشروطه در این گروه می‌گنجد. اما واقع اینجاست که رشیدی از منظر اهتمام به امور دینی و تاکید بر شریعت قبل از قانون، به گروه دوم نیز نزدیک می‌شود و او را می‌شود در جایی بین طیف دو و سه و نزدیکتر به سه قرار داد.

وی در برنامه مکاتب رشدیه (که دربرپایی آنها برای دختران تا مدت‌ها ناتوان ماند) یک درس دارد تحت عنوان عدالت و اخوت اجتماعی که در آن حقوق انفرادی، آزادی تفکر، تسامح، معاونت و مظاهر، عائله، وظیفه اجتماعی و اخلاقیه عائله، ملک، وظیفه اخلاقیه و اجتماعیه سعی و کوشش و ... تدریس می‌شود. قانون، مشروعیت و تشکیلات حکومت و حکومت داری نیز به تفصیل تدریس شده است. (رشدیه، ۱۳۰۶)

علی اکبر دهخدا (۱۳۰۲-۱۳۶۴ق) نیز مانند رشدیه به جهت آشنایی با مفاهیم و تلاش برای زنگار زدایی از سنت و بالا بردن جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و تاکید بر قانون و مساوات در گروه سوم می‌گنجد. اما با توجه به آشنایی فوق العاده زیاد دهخدا با فرهنگ ایرانی و جایگاه دین در بین ایرانیان نوشته‌های دهخدا ملحون از آموزه‌های دینی است که می‌تواند او را در تعریف مفاهیم جایی بین گروه دوم و سوم و با تاکید بر گروه سوم قرار دهد. او فعالیت‌های زنان و لزوم حضور اجتماعی زنان را گوشزد می‌کند.

من مدتها بود می‌گفتم ببینی با این همه اصرار انبیاء و مردمان بزرگ دنیا به تربیت زنان، چه علت دارد که زن‌های ما چندین دفعه جمع شده عریضه‌ها به مجلس شوری و هیئت وزراء عرض کرده و با کمال عجز و الحاح اجازه تشکیل مدرسه به طرز جدید و تشکیل انجمن خواستند، و هر دفعه وکلا و وزرای ما گذشته از اینکه همراهی نکردند ضدیت هم نمودند (دهخدا، ۱۳۶۲: ۱۷۷)

عبدالرحیم طالبوف تبریزی (۱۲۵۰-۱۳۲۹ق) و محمدمین رسولزاده (۱۳۰۱-۱۳۷۳ق) هر دو از اندیشمندان پرورش یافته در روسیه آن روزگار هستند که به خوبی با اندیشه‌های سوسیالیستی و دموکراتیک آشنا بودند. نوشته‌هایشان مملو از تعاریف مدرن از مفاهیم رایج آن روزگار است. متنشان آغشتگی زیادی به دین ندارد اما در تعارض با دین هم تعریف نمی‌شود. هر دو پایگاه‌های نهادی در داخل ایران تشکیل داده‌اند. به قانون برون دینی و فراگیر بدون تعارض با شریعت و به نوعی به مدرنیته بومی معتقدند. اما نکته جالب این‌جاست در قواعد مساوات و خصوصا درباره حقوق زنان به حضور تامه زنان در اجتماع و اثرگذاری در هر سطح و برابری به هر شیوه باور دارند. موضوعی که هر دو را بین دسته سوم و چهارم می‌نشانند.

طالبوف در معنای مساوات و حقوق که آن را مختص جمیع ابناء بشر می‌داند

چنین می‌نویسد:

حالا معنی آزادی را خدمت شما عرض می‌کنم، آزادی یعنی مختار بی‌قید و حر. مساوات یعنی برابری، بی تفاوتی و بی‌امتیازی. اینها معنی ظاهری این الفاظ است ولی معنی حقیقی آنها تعظیم شرف، نفس، احساس علویت وجدان خود، و همان قدر از آن دیگران است که او را آزادی و مساوات می‌گویند و یکی بی دیگری معنی ندارد و موجود نیست زیرا که آزادی شخصی و خصوصی مستلزم قیدسایرین می‌باشد. آزادی که متحد با مساوات نیست مطلق العنانی است و تجاوز نمودن به حقوق دیگران است. ... و هیچ حکومت و ریاست حق ندارد در وی تصرف و مداخله نماید، زیرا که او چون ودیعه طبیعی مصون از تصرف و تغییر خود و دیگران است که اینیکی معنی مساوات حقوق آزادی است، همین که این آزادی در همه افراد بشر و هیئت ملل یکسان نیست. (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۸۴)

رسول‌زاده در مرامنامه حزب دموکرات که به قلم نوشته شده، می‌نویسد:

عقلا شکی ندارند که یک سبب بزرگ بدبختی ملت و فساد اخلاق بی‌تربیتی نسون و جهالت مادران است و مقصود از تربیت نسون تعلیم و تربیت به طریق خانه‌داری و حفظ صحت و معاشرت ازدواج و عفت و تربیت اولاد و تحسین اخلاق و خلاصی از موهومات و خرافات است گویا کسی را بحثی نباشد. (نقل شده در اتحادیه، ۱۳۶۱: ۳۹-۵۹)

محمد علی فروغی (۱۲۹۹-۱۳۶۱ق) و یوسف اعتصامی (۱۲۹۸-۱۳۵۶ق) هر دو دانش‌آموخته غربند با ترجمه‌های بی‌بدیل و رد و تاثیر ماندگار در فرهنگ ایرانی. بخش زیادی از مفاهیم رایج آن روزگار با ترجمه‌های ایشان به زبان فارسی مورد استفاده قرار گرفته است. هر دو مبتنی بر اصول اساسی دموکراتیک هستند بدون اندکی تعارض با فرهنگ دینی مردم در آن روزگار. به دنبال برابری حقوق عمومی مردم و با تاکید بر مساوات حقوق و تمایزش با مساوات احوال. در زمینه تربیتی نیز بر برابری حقوق زنان و مردان و لزوم حضور اجتماعی ایشان نظر داده‌اند.

فروغی درباره مساوات چنین نگاشته است:

در اینجا غرض از مساوات یکسان بودن حقوق عموم ناس است یا به عبارت اخری عبارت است از این که قانون درباره همه کس یکسان باشد و برای هیچکس استثنا و مزیت قرار داده نشود و اگر هم تفاوتی در میان مردم گذاشته شود، محض مصلحت و خیر عموم باشد.

عدالت جنسیتی نزد متفکران دوران مشروطه (سمیه توحیدلو) ۷۳

مساوات حقوق غیر از مساوات احوال است و این نوع مساوات صورت گرفتنی نیست، زیرا که مردم بالفطره و بالطبع از حیث قوه و توانایی و قابلیت و اخلاق و خیالات تفاوت دارند و این اختلافات ناچار منجر به اختلاف احوال می‌شود. مساوات حقوق همیشه در تمام ممالک حاصل نبوده و بسیار اتفاق افتاده که طبقات مردم از یکدیگر امتیاز داشته‌اند، جماعتی از اعیان محسوب می‌شدند و از تحت بعضی قوانین خارج بودند. مزایای چند داشتند و با سایر مردم یکسان در تحت محاکمه و مجازات در نمی‌آمدند. ولی امروز در دول مشروطه این اختلافات موقوف شده و اگر هم در جایی عنوان اعیانیت باقی است فقط افتخاری می‌باشد و برای کسی اثبات حق مخصوصی نمی‌کند. مساوات حقوق را می‌توان به چهار شعبه منشعب نمود از این قرار: مساوات در مقابل قانون، مساوات در مقابل محاکم عدلیه، مساوات در مشاغل و مناصب، مساوات در مالیات. (فروغی، ۱۳۹۶: ۱۴۲-۱۴۶)

چنانچه ملاحظه می‌شود فروغی به دلیل حقوق‌دانی‌اش مباحث نظری گسترده‌ای درباره حقوق و آزادی‌ها دارد. از مساوات سخن می‌گوید. همگان را در آن شریک دانسته و اشاره جنسیتی نمی‌کند. در ضمن درباره شریعت نیز سکوت کرده است. از این‌روست که شاید بتوان فروغی را در روی طیف بین دسته سوم و چهارم و حتی گاهی نزدیک‌تر به دسته چهارم شناخت.

یکی از کتاب‌های تالیف و ترجمه اعتصامی تربیت نسوان است. او به وضوح چنین می‌نویسد:

زن انسانی است مانند مرد؛ او را با مرد در وظایف اعضا و احساسات و تمام شرایطی که ماده انسانی آن را طالب و مقتضی است اختلافی نیست مگر اختلاف صنفی. تفوق [برتری] مرد بر زن در این است که مرد از روزگار پیشین همواره با افکار و اعمال هم‌داستان بوده و تهیه لوازم زندگی را بر ذمت گرفته و زن نتوانسته است قوای بدنی و عقلی خویش را کار فرماید و بر حسب اقتضای اوقات و اماکن مقهور انحطاط گردیده هنوز اغلب ساده لوحان را گمان این است که تربیت زنان ضروری نیست؛ عجب‌تر آن که از یکدیگر سؤال کنند که آیا در شریعت اسلامی تعلیم نسوان جایز است یا نه. (اعتصامی نقل شده در باغدار دلگشا، ۱۳۹۶: ۱۰۷)

وی در جایی دیگر از این کتاب افزون می‌دارد:

تربیت و ترقیات روزافزون زنان اروپا دلالت می‌کند که نسوان فقط برای بقاء نوع و توالد و تناسل آفریده نشده‌اند، همه دیدند و دانستند که زنان شایسته تکفل اعمال مهمه و سزاوار تقلد مقامات عالیه هستند. پس از آن که نسوان از خواب غفلت برخاستند و ساحت ظلمانی خاطر را با فروغ دانایی روشن ساختند به مدارج بلند رسیدند که به هیچ خاطری نمی‌گذشت و از مخیله هیچ کس خطور نمی‌کرد.

هر فرعی از فروع تجارت و صنعت و فنون را ببینیم نسوان مغرب زمین را با مردان خود در آن شریک یابیم، هیچ واقعه سیاسی روی نمی‌دهد که در آن حقی نداشته باشند. در مراکز دول نسوان را مجمعی معتبر منعقد می‌گردد که بالاتفاق طالب حقوق بنات نوع خویش و سالی نمی‌گذرد که در تاریخ اقدامات مردانه آنان اثری بزرگ به یادگار نماند.

پس از این نیز خدای داناست که نسوان تا چه درجه در طرق ترقی تقدم یابند و بوی مفاخرت برابند.

شارع مقدس ما از این روی در بعضی مواد مردان را فضیلت بخشیده تا زنان از وظیفه عائلیه خود تجاوز نکنند. این ترجیح نیز به غایت ستوده است و توان گفت تمدن کنونی اروپایی به طفیل این اتفاق و تقسیم پابرجاست ولی هیچ وقت نفرموده است که زنان مسلمین باید از دل -عمر تا نهایت زندگی هیولای جهل مرکب باشند. (همان: ۱۴۴)

حتی در پاسخ به ناراضیان و کسانی که ایراد بر آن می‌گیرند بالاچار چنین روایت می‌کنند «نمی‌گوییم باید دختر و پسر در مراتب دانش متساوی باشند، همین قدر درخواست می‌کنم که در تعلیمات ابتدائی این مساوات را اقلای مراعات کنند». (همان، ۵۳)

زهره تاج السلطنه (۱۳۰۱-۱۳۵۴ق) دختر ناصرالدین شاه و از فعالان حقوق زنان و انجمن‌های مشروطه با مکتوبات بی‌شماری که در موضوع حقوق زنان و بهبود مسائل زنان دارد در این گروه می‌گنجد. هرچند تاج السلطنه در برهه‌هایی حجاب زنان و قواعد شرع را دست و پاگیر می‌پندارد و تا حدودی اعاده جایگاه زنان را با نزدیک شدن به گروه چهارم تعریف می‌کند، اما ظاهراً در آخر عمر و بعد از طلاق دوم، خود انتقادی‌ای از خود و از کشف حجابش دارد. در مجموع جز آنچه برای خود پسندیده در مورد تربیت و حضور اجتماعی تاج السلطنه در بین گروه سوم می‌نشیند و در بخش‌هایی می‌توان او را به گروه چهارم نیز نزدیک دید.

او بسیار به نقد وضعیت آموزش زنان می‌پردازد:

پرورش یافتگان محیط عصمت و طهارت و پرده‌نشینان حریم پاکدامنی و خدارت پوشیده نیست که زنان ایرانی به واسطه عدم توجه به تربیت و تعلیم و محرومیت از مطالعه مطالبی که مفید برای حیات اجتماعی آنها است، در تهلکه بزرگی واقع شده‌اند و آن این است که خدای نکرده روزی برسد مردان ایران، همان‌هایی که امروز در قید نشر و تعمیم معارف برای خود و خاندان خود نیستند، نیز به زن ایرانی با نظر حقارت نگرینسته و اگر راه مراوده آنها با فرنگ باز شود و مقررات آیینی اجازه دهد، زوجه خود را نیز از آنها اختیار کنند. آیا این تهلکه و خطر نیست؟ البته هست و مسبب آن جز جهل خود ما چیزی نیست؟!... (تاج السلطنه نقل شده در کوهستانی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۵۱)

۴.۵ گروه چهارم: ترقی خواهان سکولار

به جز افرادی که در روی طیف بین نقاط سوم و چهارم قرار می‌گرفتند و حتی در برخی مواضع به گروه چهارم نزدیک‌تر می‌شدند، از کسانی که مشخصاً روی نقطه چهارم قرار می‌گیرند می‌توان به سید حسن تقی‌زاده (۱۲۹۵-۱۳۴۸ق) و دو چهره برجسته و معروف این گروه اشاره کرد. میرزا آقا خان کرمانی (۱۲۷۰-۱۳۱۳ق) و فتحعلی آخوندزاده (۱۲۲۵-۱۲۹۵ق). این سه نفر در نسبتی که با نقد به دین برای خود دیده‌اند و تأکید بر اصلاح فرهنگ و رد مظاهر سنت در این دسته جای گرفته‌اند. برابری و مساوات ذیل قانونی که می‌تواند مبتنی بر قراردادهای اجتماعی باشد، خواسته اعضای این گروه و افراد نزدیک بر این سر طیف است. با توجه به اینکه جامعه ما همیشه دیندار بوده است، هیچ‌گاه این اندیشه‌ها از پیروان چندانی برخوردار نشد و تا حد زیادی مهجور ماند. همین مسئله باعث شده بود که حتی اندیشمندان سکولارتر بین دو طیف، هیچ‌گاه درباره دینداری به صراحت نظر نداده‌اند.

آخوندزاده بسیار به نقد دینداری و حجاب پرداخته و مسئله عقب‌ماندگی زنان را با حفظ سنت و تشریح تبیین کرده است:

مساوات در حقوق مگر مختص طایفه ذکور است. شریعت چه حق دارد که طایفه اناث را به واسطه آیه حجاب به حبس ابد یانداخته مادام‌العمر بدبخت می‌کند و از نعمت حیات محروم می‌سازد و به واسطه حکم حجاب در حرمخانه‌ها خدمت طایفه ذکور

رجولیت جایز نشده، هرکس از ارباب استطاعت برای خدمتگزاری در حرمخانه‌ها لابد و ناچار طالب خرید خواجه‌ها می‌باشد. و بدین سبب شقی‌ترین مردمان برای منافع دنیویه اطفال معصومه را از جنس بشر خواجه کرده در ممالک اسلامی می‌فروشد.

..اجرای عدالت و رفع ظلم در صورتی امکان‌پذیر است که در بالا ذکر کردم. یعنی ملت باید خودش صاحب بصیرت و صاحب علم شود و وسایل اتفاق و یک‌دلی را کسب کند؛ بعد از آن به ظالم رجوع کرده و بگوید از بساط سلطنت و حکومت گم شو. (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۳۴-۴۴)

میرزا آقاخان در همین زمینه حتی به مساوات بین زن و مرد نیز اشاره می‌کند آن‌جا که می‌گوید

به علاوه از متفرعات آزادی و مساوات اینکه زن و مرد باید در جمیع حقوق حیاتیه برابر باشند. همچنانکه هردو دست را به طور مساوی به کار می‌بریم و در اعمال هیچ‌کدام فرق نمی‌گذاریم مرد و زن نیز باید اعضای برابر هیات اجتماع به شمار روند. و بالاخره عالم انسانیت به سر حد کمال نخواهد رسید مگر اینکه زنان نیز در جمیع امور و حقوق با مردان مشترک و برابر باشند. (آقاخان به نقل از آدمیت، ۱۳۴۶: ۲۴۲)

۶. جمع‌بندی

چنانچه در بالا مشاهده شد اسناد دوران مشروطه و بیش از ۳۰ نفر از متفکرین آن دوران در افکار و دسته‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. منطبق با نظریات جان رالز قرار بود حقوق اولیه و اساسی انسانی از منظر ایشان مورد بررسی قرار گیرد و عدالت جنسیتی را از منظر مساوات زن و مرد مورد توجه قرار دهیم. در این بخش چنانچه مشاهده شد برخی کاملاً این مساوات و حقوق برابر را رد نموده و کاملاً مبتنی بر شریعت و به شکل درون‌دینی این مساوات را ممکن نمی‌دانستند. برخی دیگر آن را ذیل شریعت ممکن و دیگرانی نیز به‌طور کامل با آن همراه شده بودند.

مسئله پیدایش قانون و اجرای آن نیز از منظر اصول عدالت رالزی مهم تلقی شد. او برای تقنین شرایطی را برمی‌شمرد که وضعیت عقلانی، وضعیت اولیه و حضور همه ذی‌نفعان در گفتگو بر سر منافع قانونی را لازم می‌بیند. اتفاقی که در مشروطه نیافتاد و نداشتن سواد و عقب‌ماندگی تاریخی قاطبه زنان بیش از پیش در این قانون‌گذاری

یک جانبه نقش داشت. از طرفی نفس قانون و مساوات در برابر آن و متمم قانون اساسی نیز محل مناقشه گروه‌های مختلف قرار گرفت.

درباره عمل به نفع طبقه محروم‌تر، ایجاد فرصت برابر و رفع تبعیض‌های تاریخی از طریق تبعیض مثبت، برای عادلانه‌تر شدن اوضاع که بخش دوم اصل دوم رالز به آن تعلق دارد؛ نیز می‌توان گفت بخش زیادی از علمای مشروطه (از دسته دوم به بعد) به آموزش و اعطای این فرصت از طریق رفع جهل و بی‌سوادی باورمند بوده‌اند. هرچند که این تعداد در برابر منتقدان آن در جامعه اندک بوده است. اما حضور اجتماعی و اثرگذاری زنان و ولایت زنان بر مردان از طریق پذیرش مسئولیت، موضوعاتی بوده است، که هریک از این گروه‌ها به اشکال مختلف به آن پرداخته‌اند.

آنچه اهمیت دارد این است که نمی‌توان تعریف عدالت جنسیتی را واحد و ذیل دسته‌بندی دوگانه مشروعه و مشروطه ارائه داد. این تعریف طیفی را دربرمی‌گیرد. طیفی که هرکدام از متفکرین جایی را در آن نمایندگی می‌کنند. نکته حائز اهمیت حضور هم‌زمان نمایندگان هر چهار طیف از سستی‌ترین حالت به مدرن‌ترین شرایط است. اتفاقی که تا همین امروز اجتماع و جامعه را درنور دیده و در هر زمان و هر لحظه شرایط و مقتضیات به‌گونه‌ای بوده که بخشی از نمایندگان این طیف امکان مسلط شدن بر فضای اجتماعی و اثرگذاری را داشته‌اند.

چهاردسته از متفکران به تفصیل معرفی شدند و تلاش شد گذرا نگاه ایشان به عدالت جنسیتی عرضه گردد. اگر قرار باشد انواع عدالت جنسیتی از منظر این متفکران را بازتعریف و تلخیص کرد به دسته‌بندی زیر خواهیم رسید.

- دسته اول: باورمندان به جنس دوم بودن زنان و سلب حقوق و آزادی‌های خارج از شریعت از ایشان

زن در بین ایشان جنس دوم است. هرگونه حریت زنان را مترادف فساد می‌بینند. حتی آموزش و تعلیم زنان را از دست رفتن ایشان و آغاز تباهی برمی‌شمارند و هرگونه مظاهر مدرسه و تعلیم را بر نمی‌تابند. بارها دستور به تعطیلی مدارس دخترانه داده‌اند. گروهی که حبس ابدی عقل و ارجحیت نقل را در دستور کار قرار داده و قرآن و سنت در کنار روایات و گاهی خرافه‌های به یادگار رسیده تنها مسیرهای رسیدنشان به معارف خواهد بود. در این دسته از متشرعین اندیشمند تا جاهلین خرافه‌پرست حضور دارند. موضوع زنان و نسبت با

دینداری، این دو گروه را کنار هم نشانده است. شیخ فضل‌الله نوری فرد شاخص این رویکرد، بین موضوع مکلفین در عبادات و معاملات و تجارات و سیاسیات بین زن و مرد تفاوت قائل است و هر نوع مساوات را حرام می‌داند.

- دسته دوم: پایبندی به شریعت و برخورداری زنان از حقوق اجتماعی و عرفی

در زمینه حقوق زنان نیز همان مساوات در برابر قانون مدنظر است و چون در شریعت زنان همتای مردان نیستند، این مساوات به این معناست که کلیه زنان در برابر قانون باهم سنجیده می‌شوند و برابرند و مردان باهم و ... قرار نیست نسبت زنان و مردان، مسلمانان و غیرمسلمانان و ... در برابر این قانون یکسان باشد.

درباره زنان نیز همین حدود آزادی دینی موجود است. اما همان‌گونه که قوانین عرفی و شرعی مجزا هستند، برخی از امور عرفی می‌توانند برای زنان در کنار مردان معنادار شود. از آن جمله می‌توان به حق آموزش اشاره نمود.

نائینی به عنوان فرد شاخص این رویکرد، شرط عدالت را متساوی‌الحقوق بودن تمام ملت نسبت به قوانین دستوری می‌داند که هر یک متضمن بیان حکم خاص برای عنوان عام و یا موضوع مخصوصی است. اینکه این قانون می‌بایست در مرحله اجرا نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت مجری شود؛ موضوعی بود که به تفصیل در تنبیه‌الامه بدان پرداخته است.

- دسته سوم: آزادی‌های اجتماعی زنان ذیل شریعت

درباره آزادی زنان نیز این گروه به موضوع با روی بازتری روبرو می‌شوند. حریت زنان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و حتی تعلیم و آموزش معنادار است. اما هنوز ولایت زن بر مرد امری است که با سازگاری با دین ممکن نیست و بنابراین امکان حق انتخاب و حق انتخاب شدن را و هرگونه حقوق سیاسی و ملکی را هنوز نمی‌پذیرند.

اسماعیل محلاتی یکی از بارزترین روحانیون این گروه است. زن و مرد را در عرصه عمومی برابر می‌داند و عرصه خصوصی را دور از دسترس قانون مدرن برمی‌شمارد. حضور اجتماعی زنان را دوشادوش مردان در عرصه‌های اجتماعی می‌بیند.

- دسته چهارم: برابری کامل حقوقی زنان

آموزه‌های غرب و عقل‌گرایی مدرن و سکولار در این گروه باعث پذیرش حریت تامه برای همگان از جمله زنان است و باور دارند زنان در صورت استحقاق می‌توانند در همه

عدالت جنسیتی نزد متفکران دوران مشروطه (سمیه توحیدلو) ۷۹

سطوح با مردان برابر باشند و این را عادلانه می‌دانند و چنین بازگو می‌کنند که برای رسیدن به این نقطه نیازمند تعلیم و تربیت مدرن در همه سطوح و به شکل همگانی هستیم. شاید دو چهره برجسته و شاخص این گروه را بتوان میرزاآقا خان کرمانی و آخوندزاده تعریف نمود. برابری و اصل مساوات در قالب قانونی که می‌تواند این قانون مبتنی بر قراردادهای اجتماعی باشد خواسته اعضای این گروه و این دو نفر بوده است.



دسته‌بندی نخبگان مشروطه از منظر نوع نگاه به عدالت جنسیتی

پی‌نوشت‌ها

۱. رساله اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه توسط شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی در سال ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ ق و رساله مراد از سلطنت مشروطه توسط وی در تاریخ ۶ محرم ۱۳۲۷ در ایام به توپ بسته شدن مجلس نوشته شده است.

۲. رساله تنبیه‌الامه و تنزیه المله از محمدحسین غروی نائینی در سال ۱۳۲۷ ق بعد از به توپ بستن مجلس نوشته شده است.

۳. از میان متفکرانی که آثارشان در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته به افراد زیر می‌توان اشاره کرد: آخوند خراسانی، محمد حسین نائینی، محمد طباطبایی، عبدالله بهبهانی، شیخ فضل‌الله نوری، علی اکبر تبریزی، اسماعیل محلاتی، موسوی نجفی لاری، عمادالعلما خلخالی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، آقا نورالله نجفی، سید جمال‌الدین واعظ، ثقه الاسلام تبریزی، شیخ ابراهیم زنجانی، شیخ هادی نجم‌آبادی، یحیی دولت‌آبادی، بی‌بی فاطمه استرآبادی، شیخ محمدعلی تهرانی، کاتوزیان، محمدامین رسول‌زاده، یوسف مستشارالدوله، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، میرزا حسن رشدیه، سید حسن تقی‌زاده، علی اکبر دهخدا، عبدالرحیم طالبوف تبریزی، محمدعلی فروغی، یوسف اعتصامی، زهرا تاج‌السلطنه، میرزا آقاخان کرمانی، فتحعلی آخوندزاده و ...

کتاب‌نامه

- آخوندزاده، میرزا فتح‌علی، ۱۳۵۷: *الفبای جدید و مکتوبات*، گردآورنده حمید محمدزاده و حمید آراسلی، تبریز، نشر احیاء
- آدمیت، فریدون، ۱۳۵۴: *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، انتشارات پیام، چاپ اول
- آدمیت، فریدون، ۱۳۴۶: *اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی*، کتابخانه طهوری
- آفاری، ژانت؛ ۱۳۷۷: *انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه*، ترجمه جواد یوسفیان، نشر بانو، چاپ اول
- ابوالحسنی (منذر)، علی، ۱۳۸۸: *شیخ فضل‌الله نوری، مصلح دین ورز و دادخواه*، فصلنامه *مطالعات تاریخی*، شماره ۲۴، ۱۱-۶۳
- اتحادیه، منصوره، ۱۳۶۱: *پیدایش و تحول اجزای سیاسی مشروطیت* (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)، نشر گستره
- استرآبادی، بی‌بی خانم؛ ۱۳۷۱: *معایب الرجال*، ویراستار افسانه نجم‌آبادی، شیکاگو، سلسله انتشارات نگرش و نگارش زن
- باغدار دلگشا، علی، ۱۳۹۶: *آداب مردی و تربیت نسوان* (دو رساله در نقد مرد مداری مردان از دوره قاجار)، تهران، نشر شیرازه، چاپ اول
- بشیریه، حسین؛ ۱۳۷۹: *تاریخ اندیشه سیاسی در قرن ۲۰*، تهران، نشر نی
- ثقه الاسلام تبریزی، میرزا علی، ۱۳۵۵: *مجموعه آثار قلمی ثقه الاسلام شهید تبریزی*، محقق نصرت‌الله فتحی، نشر انجمن آثار علمی، تهران

عدالت جنسیتی نزد متفکران دوران مشروطه (سمیه توحیدلو) ۸۱

- حائری، عبدالهادی، ۱۳۸۷: تشیع و مشروطیت (و نقش ایرانیان مقیم عراق)، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم
- حجازی، بنفشه؛ ۱۳۹۹: تاریخ خانم‌ها: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار، نشر قصیده‌سرا، چاپ چهارم
- خسروپناه، محمدحسین؛ ۱۳۸۱: هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، انتشارات پیام امروز، چاپ اول
- درکتانیا، غلامرضا، ۱۳۸۴، "نهضت فرهنگی زنان ایران و تأسیس مدارس دختران"، در مجموعه مقالات همایش مشروطه، گردآورنده: ستاد بزرگداشت انقلاب مشروطه، تبریز
- دلریش، بشری؛ ۱۳۷۶: زن در دوره قاجار، دفتر مطالعات دینی هنر، چاپ دوم
- دورکیم، امیل، ۱۳۸۱: درباره تقسیم کار اجتماعی: ترجمه باقر پرهام، نشر مرکز، چاپ اول، ویرایش دوم
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۲: مقالات دهخدا، جلد اول، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، انتشارات تیرازه، چاپ دوم
- رالز، جان؛ ۱۳۷۶: عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقلایی، ترجمه مصطفی ملکیان، نقد و نظر، سال سوم، شماره ۲ و ۳
- رالز، جان؛ ۱۳۹۳: نظریه‌ای درباره عدالت (براساس آخرین ویراست اثر ۱۹۹۹)، ترجمه مرتضی نوری، انتشارات مرکز، چاپ اول
- رجبی، محمد حسن؛ رویاپور امید، فاطمه، ۱۳۸۴: مکتوبات و بیانات سیاسی اجتماعی علمای شیعه، جلد اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم، نشر نی، چاپ اول
- رحمانیان، داریوش، ۱۳۸۷: سید جمال‌الدین اسدآبادی، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم
- رحمانیان، داریوش، ۱۳۹۱: تاریخ تفکر سیاسی در دوره قاجاریه، دانشگاه پیام نور، چاپ سوم
- رشدیه، حسن، ۱۳۰۶: پروگرام مکاتب رشدیه، دستنویس، چاپ دوم
- زرگری‌نژاد، غلامحسین، ۱۳۹۰: رسائل مشروطیت - مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، جلد اول و دوم، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم
- زرگری‌نژاد، غلامحسین، ۱۳۷۷: رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)، نشر کویر، چاپ دوم
- زنجانی، ابراهیم، ۱۳۹۳: خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، تهران، نشر کویر

- سن، آمارتیا؛ ۱۳۸۳: توسعه یعنی آزادی، ترجمه محمد سعید نوری نائینی، نشر نی، چاپ پنجم
سندل، مایکل، ۱۳۹۶: لیبرالیسم و محدودیت های عدالت، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز،
چاپ اول
طالبوف، عبدالرحیم، ۱۳۵۶: کتاب احمد (ج ۳) یا مسائل الحیات، با مقدمه و حواشی باقر مومنی،
انتشارات شبگیر، چاپ دوم
طباطبایی، سید جواد، ۱۳۶۷: درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، دفتر مطالعات سیاسی و
بین‌المللی، چاپ اول
طباطبایی، سید جواد، ۱۳۸۶: درباره ایران، نظریه حکومت قانون در ایران، جلد دوم، بخش دوم،
انتشارات ستوده
عدالتزاد، سعید، ۱۳۹۹: جایگاه حقوقی غیرمسلمانان در فقه شیعه وقوانین ایران ۱۲۸۵-۱۳۹۷،
تهران، نشرنی، چاپ اول
فروغی، محمدعلی، ۱۳۹۶: حقوق اساسی یعنی اداب مشروطیت دول، به اهتمام علی اصغر حقدار،
استانبول، نشر باشگاه ادبیات
فیرحی، داود، ۱۳۹۹: مفهوم قانون در ایران معاصر (تحولات پیشامشروطه)، نشرنی
کراچی، روحانگیز، ۱۳۸۱: اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه، چ ۲، تهران، دانشگاه الزهرا (س)
کراچی، روح انگیز؛ ۱۳۹۰: هشت رساله در بیان احوال زنان، از ۱۰۰۰ تا ۱۳۱۳ هجری قمری.
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کزازی، ماندانا، اکبری، زینت، رمضان جماعت، مینا؛ ۱۳۹۲: «نقش زنان در شکل گیری آموزش و
پرورش جدید دختران ایران: مطالعه موردی بی‌بی‌خانم استرآبادی»، پژوهش در تاریخ،
سال چهارم، بهار شماره ۱۰، ۸۷-۱۰۶
کسروی، احمد، ۱۳۸۸: تاریخ مشروطه ایران، انتشارات هرمس، چاپ اول
کوهستانی نژاد، مسعود، ۱۳۹۳: سرگذشت شاهزاده خانم ایرانی (دومین کتاب زهرا تاج‌السلطنه)
انتشارات دنیای اقتصاد
محبوبی اردکانی، حسین، ۱۳۷۶، تاریخ موسسات تمدنی جدید، جلد اول و دوم، انتشارات
دانشگاه تهران، چاپ دوم
مستشارالدوله، میرزا یوسف خان، ۱۳۹۳: رساله یک کلمه (ودو پیوست انتقادی آنوندزاده)،
ویراسته امیر حکیمی، مجموعه پرسه در مشروطه
ملائتی توانی، علیرضا، ۱۳۹۷: سه روحانی دگراندیش دولت‌آبادی، سنگلجی و حکمی‌زاده،
پژوهشکده تاریخ اسلام، چاپ اول

عدالت جنسیتی نزد متفکران دوران مشروطه (سمیه توحیدلو) ۸۳

ملکم خان ناظم‌الدوله، دوره کامل روزنامه قانون، سازمان اسناد و کتابخانه ملی
موحد، محمد علی، ۱۳۸۱: در هوای حق و عدالت - از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، نشر کارنامه،
چاپ اول
نائینی، محمد حسین، ۱۳۸۲: تنبیه الامه و تنزیه المله، تصحیح سید جواد ورعی، بوستان کتاب قم،
انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
نجم‌آبادی، افسانه؛ ۱۳۸۱: حکایت دختران قوچان - از یاد رفته‌های انقلاب مشروطه، انتشارات
روشنگران و مطالعات زنان، چاپ دوم
وثوقی، محمدباقر، ۱۳۸۶: اسناد و مکاتبات ایت الله سید عبدالحسین لاری، انتشارات موسسه
تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم
یغمائی، اقبال، ۱۳۵۷: شهید راه آزادی، انتشارات توس

Kant, I. 1785. Groundwork of the metaphysics of morals, translated by H. J. Paton, 1992
london

Michael amin, Camron and Inc Netlibrary, 2002: "the Making of Modern Iranian Woman:
Gender, State Policy and Popular Culture, 1865-1946", Gainesville: University Press of
Florida